

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش :

امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »  
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان و  
مسئول مرکز کلتوری دحق لاره- جرمنی

## شیطان خبیث

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم  
بسم الله الرحمن الرحیم

یا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالاً طَيِّباً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ  
«ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گامهای (راه) شیطان، پیروی نکنید! به خاطر اینکه او دشمن آشکار شماست.» (سوره بقره، آیه ۱۶۸).

اکثریت مطلق علماء زبان شناسی بدین عقیده و باور اند که «شیطان» اصلاً کلمه ای عربی است و از ماده «شطن» مشتق شده است. شطن به معنای دور شدن است و به هر متمرّد یاغی و باغی اعم از انس و جن و حیوانات که باشد، خطاب (شیطان) پرایش کرده میشود.

ولی «شاطن» به معنای خبیث است و به ابلیس و ذریه (خانواده) و اعوان (مساعدین) او به مناسبت همان تمرّد و عصیانگری و خیانت و وسوسه گری، شیطان خبیث اطلاق گردیده است.

این کلمه به آنده از انسانهای که با شیطان همدستی و همکاری میکنند در قرآن عظیم الشان به نام شیطان خطاب شده است. ( و اذخلوا الی شیاطینهم قالوا انا معکم ) (سوره بقره آیه : ۱۶) (و منافقان زمانیکه با شیاطین خود خلوت می کنند، می گویند ما با شما هستیم) و یا هم طوریکه قرآن عظیم الشان در سوره انعام آیه ۱۱۲) میفرماید : ( و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا شياطين الانس والجن ) ( و همچنین برای هر پیامبری دشمنی قرار دادیم از شیطانهای انس و جن ).

کلمات «الشیطان» و «الشیاطین» و «شیطاناً» بیشتر از (۹۰) بار در سوره های مختلفی از قرآن عظیم الشان تذکر رفته است . که در همه موارد از : شیطان به عنوان دشمن و بدخواه انسان یاد آوری به عمل آمده است.

در روایات آمده است که : شیطان به طور طعن آمیز میگوید :

پروردگارا ! بندگان تو را دوست دارند ، ولی با آنها نافرمانی تو را می کنند. ولی بر عکس مرا دشمن خویش می شمارند ولی از من فرمانبرداری میکنند.

میگویند در مقابل جواب داده میشود:

من عفو کنم فرمانبری آنان را از تو، به خاطر دشمنی که با تو دارند، و ایمان آنان را می پذیرم اگر چه مرا فرمانبری نکردند به دوستی که با من دارند.

برخی از اوصاف خبیثه شیطان در قرآن:

**اولین صفت:** که برای شیطان خبیث در قرآن عظیم الشان داده شده است همانا دشمنی سرسخت شیطان به انسان و اولاده انسان است. (ان الشیطان للانسان عدو مبین) (همانا شیطان برای انسان دشمنی آشکار است) (سوره یوسف آیه: ۵)

**دومین صفتی:** که برای شیطان در قرآن داده شده است همانا صفت: اغواگری، دسیسه بازی گمراه کننده شیطان است: (قال فبعتك لاغوينهم اجمعین) (شیطان گفت: به عزت تو قسم که همه آنها را اغوا خواهم کرد. (سوره ص آیه: ۸۲)

**سومین صفت:** شیطان در قرآن همانا صفت زشت و بدی تکبر و غرور است: (یعدهم و یمنیهم وما یعدهم الشیطان الاغروا) (به آنها وعده می دهد و آنها را به آرزو وادار می کند و شیطان به آنها جز غرور وعده نمی دهد. (سوره: نساء آیه: ۱۲۰).

**چهارمین صفت:** شیطان در قرآن اینست که: شیطان اعمال انسانها را در نظر انسانها زیبا و بطور زینت جلوه داده، و از همین طریق می خواهد انسانها را از راه راست و از راه حق دور و منحرف سازد: (و زین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل) (و شیطان اعمال آنها را در نظرشان زینت داد پس آنها را از راه حق باز داشت). (سوره: نمل آیه ۲۴).

**پنجمین صفت:** شیطان در قرآن اینست که: شیطان انسانها را همیشه امر به فحشاء و گناه می کند: (الشیطان یعدکم الفقر و یامرکم بالفحشاء) (شیطان به شما وعده فقر می دهد و شما را به فحشاء امر می کند. (سوره: بقره آیه: ۲۶۸).

**ششمین صفت:** شیطان در قرآن اینست با اینکه: شیطان حيله گر و مکار است ولی کید و حيله او ضعیف است: (ان کید الشیطان کان ضعیفاً) (همانا کید و حيله شیطان ضعیف است) (سوره نساء آیه: ۷۶).  
**هفتمین صفت:** شیطان در قرآن اینست که: شیطان باعث فراموشی می شود: (فانی نسیت الحوت و ما انسانیه الا الشیطان) (من ماهی را فراموش کردم و آن را از یاد من نبرد مگر شیطان) (سوره: کهف آیه: ۶۳).  
(فانساه الشیطان ذکر ربه) (شیطان ذکر خدا را از یاد او برد). (سوره: یوسف آیه: ۴۲).  
**هشتمین صفت:** شیطان در قرآن اینست که: شیطان ذریه دارد و تولد تناسل دارد: (افتتخونه و ذریته اولیاء من دونی و هم لکم عدو) (آیا او (شیطان) و ذریه او را اولیاء خود قرار می دهید در حالی که آنها برای شما دشمن هستند) (سوره: کهف آیه: ۵۰).

**نهمین صفت:** شیطان در قرآن عظیم الشان اینست که: (گاهی شیطان با تیرهای آسمانی هدف قرار می گیرد: (ولقد زینا السماء الدنيا بمصابیح و جعلناها رجوماً للشیاطین) (ما آسمان نزدیک را با چراغهایی (به نام ستارگان) زینت دادیم و آنها را تیرهایی برای شیاطین کردیم. (سوره: ملک آیه: ۵).  
پروردگارا ما را از شر شیطان خبیث و الرجیم نگاه دار  
پروردگارا ما از شر شیطان به تو پناه میبریم

### **هدایت و رهنمود قرآن در مقابله با شیطان:**

قرآن عظیم الشان طوریکه قبلاً تذکر دادیم در آیات متعددی از شیطان به عنوان دشمن آشکار انسان نام برده و میفرماید: ان الشیطان للانسان عدو مبین؛ «شیطان دشمن آشکار انسان است.» و در هشدار دیگری میفرماید، بنی آدم شیطان شما را فریب ندهد آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد.

قرآن عظیم الشان به انسان هشدار میدهد و برای انسان همیشه زنگ خطر را به صدا در می آورد میفرماید: «هر کس شیطان را به جای خداوند به عنوان ولی و سرپرست خود انتخاب کند زیان آشکاری و بزرگی را مرتکب خواهد شد.»

همچنان قرآن درباره پیروان شیطان میفرماید: «هر آینه جهنم را از تو و بندگان تو پیروی کنند پر خواهی کرد.» در اینجا يك سؤال مطرح می شود و آن اینکه با توجه به این همه هشدارهای قرآنی و با وجود همه هشدارهای که توسط انبیا و علماء که در مورد پیامدهای خطر ناک شیطان خبیث صورت میگیرد چرا انسانها به این هشدارها بی توجه هستند؟

در جواب باید گفت: که این بی توجهی انسانها در چند عامل ذیل خلاصه میگرد: عامل اول: نفوذ شیطان آنچنان مخفی و تحت پلان دقیقی مخفی کاری در انسان صورت میگیرد، که انسان فکر میکند این خود اوست که چنین تصمیمی را گرفته است و دشمنی کسی را احساس نمی کند.  
عامل دوم: فوری نبودن نتایج پیروی از این دشمن خطرناک. این بدین معنی است که اغلب انسانها که از نفس اماره و شیطان پیروی میکنند، چنان فوری نیست که انسان با چشیدن طعم تلخ آن در برابرش مقاومت ورزد.  
عامل سوم: لذت گرایی افراطی که در نتیجه قوای مقاومت را از انسان سلب میکند.

عامل چهارم: تنوع و انعطاف پذیری شگفت انگیزی که در شیطان وجود دارد از جمله عوامل تاثیرپذیر انسان از پرگرام های شیطان است. بادر نظر داشت که شیطان در قرآن عظیم الشان بحیث دشمن آشکاری انسان معرفی گردیده است.

## چرا پروردگار به شیطان اجازه وسوسه را داده است؟

قبل از اینکه به جواب سؤال بپردازم میخواهم کمی به عقب برگشته وداستان را از دید قرآن عظیم الشان به طور مختصر از اوایل آغاز کرد.

زمانیکه شیطان به علت نافرمانی از درگاه الهی شیطان رانده شد، از پروردگار مهلت خواست و خداوند هم تا وقت معینی به او مهلت داد و شیطان پس از گرفتن این مهلت اظهار داشت: که فرزندان آدم را وسوسه خواهد کرد و آنها را وادار به انجام کارهای بد خواهد نمود. قرآن در آیات (۳۶ تا آیات ۴۰ سوره حجر) در مورد چنین میفرماید:

«قال رب فانظرنی الی یوم یبعثون قال فانک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم قال رب بما اغویتنی لأزینن لهم فی الارض و لأغوینهم اجمعین الا عبادک منهم المخلصین».

(شیطان) گفت: پروردگارا تا روزی که مبعوث می شوند به من مهلت بده خداوند گفت: تو از مهلت داده شدگانی تا روز وقت معین. شیطان گفت: پروردگارا به سبب اینکه تو مرا گمراه نمودی، (اعمال فرزندان آدم را) برای آنها زینت خواهم داد و همگی آنها را گمراه خواهم ساخت مگر بندگان خالص تو را.

## در جواب سؤال میتوان گفت:

خداوند انسان را آفرید و به او اختیار و آزادی انتخاب داد به طوری که انسان در انتخاب خیر و شر آزاد است او می تواند راه انبیاء را در پیش گیرد و به سعادت ابدی دست یابد. و هم میتواند از خداوند و پیامبر فاصله بگیرد و به گناه و معصیت و شر روی آورد.

در این میان خداوند با ارسال پیامبران و کتب آسمانی، انسان را به سوی خیر و سعادت دعوت کرد لازم بود نیروی هم باشد که انسان را به سوی شر و بدیها دعوت کند تا آزادی انسان در اختیار و انتخاب از بین نرود و او بر سر دو راهی قرار بگیرد آنگاه با انتخاب راه درست، کمال خود را به ثبوت برساند. **باید به دقت گفت که این امتحان و انتخاب کار و ضرورت بنده است.**

بنابراین، وسوسه های شیطان برای افراد باایمان نه تنها زیانبخش نیست بلکه باعث تکامل بیشتر آنهاست و انتخاب راه خدا با وجود وسوسه های شیطان، بسیار ارزشمند است و افراد با ایمان با مبارزه با وسوسه های شیطان به مراتب بالایی از کمال می رسند.

اساساً وجود دشمن، انسان را آماده تر و قویتر می سازد و او را وادار می کند که از تمام امکانات خود استفاده کند و در عزم و اراده خود ثابت قدم باشد.

ضمناً توجه کنیم که وسوسه شیطان در حد الزام و اجبار نیست و شیطان هرگز نمی تواند و اجازه ندارد که انسان را به ارتکاب گناه و معصیت مجبور کند. کار او تنها وسوسه است و شخص با ایمان وقتی چند بار با آن مبارزه کرد دیگر مخالفت با آن کار دشواری نخواهد بود. طوریکه قرآن عظیم الشان این مطلب را در (آیات ۹۹ –

۱۰۰) با زیبایی خاص خویش چنین بیان میدارد: «**انه لیس له سلطان علی الذین آمنوا و علی ربهم یتولکون انما سلطنه علی الذین یتولونه**» (همانا شیطان را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل کردند، تسلطی نیست. تسلط او تنها بر کسانی است که ولایت او را پذیرفته اند).

همچنین قرآن در جای دیگر از زبان شیطان نقل می کند که در روز قیامت در جواب کسانی که شیطان را مسؤل گمراهی خود می شمارند، خواهد گفت:

«**و ما کان لی علیکم من سلطان الا ان دعوتکم فاستجبتم لی فلا تلو مونی و لو موا انفسکم**» (سوره ابراهیم آیه: ۲۲)

(مرا بر شما تسلطی نبود جز اینکه شما را دعوت کردم و شما مرا اجابت نمودید پس مرا مذمت نکنید بلکه خود را مذمت کنید.)

خلاصه اینکه وسوسه شیطان الزام آور نیست و همین وسوسه گری هم موجب پیشرفت و تکامل مؤمنان است.

## درخاتمه دعا میکنیم:

پروردگارا! ما را از وسوسه های شیطان رجیم، و از اعمال شیطانی، خبیثانه و ابلیسانه آن، و از فریب های شیطان مکار، «**الذی یوسوس فی صدور الناس**»، و از شر وسوسه گران خناس، در حفظ و امان خود داشته باشی.

پروردگارا! از شر شیطان خبیث به تو پناه میبریم و به بانگ رسا اعلام میداریم :  
« قل اعوذ برب الفلق ، من شر ما خلق ، ومن شر غاسق اذا وقب ، ومن شر النفاثات فی العقد ، ومن شر حاسد اذا حسد . » (الهی ما به تو که پروردگار سپیده صبح هستی پناه میبریم، پناه میبریم از شر مخلوقات و از شر شب تاریک فرارسد، و از شر جادوگرانی که در گره هادمند، و از شر هر حاسد که حسد ورزد).  
پروردگارا ! تو رحمان ورحیم و بخشنده ای ! لطف و مروت را از بنده گناه گارت دریغ مفرما .

آمین یارب العالمین